

تأثیر متغیرهای اقتصادی و نهادی بر رشد اقتصادی کشورهای در حال توسعه: مطالعه پانل داده‌ها در ۱۵ کشور طی ۲۰۱۳ تا ۲۰۲۳

راحله پیراینده^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۴/۰۱ تاریخ چاپ: ۱۴۰۴/۰۸/۳۰

چکیده

رشد اقتصادی یکی از مهم‌ترین شاخص‌های عملکرد کلان اقتصادی و معیار اصلی سنجش توان تولیدی کشورها محسوب می‌شود. با این حال، دستیابی به رشد پایدار صرفاً در گرو متغیرهای اقتصادی نیست، بلکه کیفیت نهادها نیز نقشی تعیین‌کننده در این فرایند دارد. پژوهش حاضر با هدف بررسی اثرات همزمان متغیرهای کلان اقتصادی (تجارت بین‌الملل، سرمایه انسانی، سرمایه فیزیکی، تورم و بدهی‌های خارجی) و متغیرهای نهادی (حق اعتراض و پاسخگویی، ثبات سیاسی، اثربخشی دولت، کیفیت مقررات، حاکمیت قانون و کنترل فساد) بر رشد اقتصادی ۱۵ کشور منتخب در حال توسعه از جمله ایران، برزیل، مصر، اندونزی، هند و آفریقای جنوبی طی دوره ۲۰۱۳ تا ۲۰۲۳ انجام شده است. روش تحقیق از نوع کاربردی و با رویکرد کمی می‌باشد. داده‌ها از بانک جهانی استخراج و با استفاده از مدل داده‌های تابلویی و تکنیک اقتصادسنجی حداقل مربعات معمولی پویا (DOLS) تحلیل شده‌اند. یافته‌ها نشان می‌دهد متغیرهای کلان اقتصادی و نهادی هر دو تأثیر معناداری بر رشد اقتصادی کشورهای منتخب دارند و اثرگذاری شاخص نهادی در کنار برخی موارد حتی قوی‌تر از متغیرهای صرفاً اقتصادی است. این نتایج بر اهمیت توجه به اصلاحات نهادی در کنار سیاست‌های اقتصادی برای تحقق رشد پایدار در کشورهای در حال توسعه تأکید دارد.

واژگان کلیدی

رشد اقتصادی، متغیرهای کلان اقتصادی، نهادها، توسعه اقتصادی، کشورهای در حال توسعه

۱. کارشناس ارشد اقتصاد.

مبانی نظری پژوهش

رشد اقتصادی به عنوان یکی از شاخص های کلیدی در تحلیل عملکرد اقتصاد کشورها، همواره مورد توجه اندیشمندان اقتصادی، سیاست گذاران و برنامه ریزان بوده است. این شاخص علاوه بر نشان دادن سطح رفاه مادی جوامع، توانایی کشورها در ایجاد فرصت های شغلی، ارتقای سرمایه انسانی و دستیابی به توسعه پایدار را منعکس می کند. از نیمه دوم قرن بیستم تاکنون، نظریه های گوناگونی در تبیین عوامل مؤثر بر رشد اقتصادی ارائه شده اند. اگرچه در ابتدا تمرکز اصلی بر متغیرهای کمی مانند سرمایه فیزیکی و نیروی کار بود، اما در دهه های اخیر نقش نهادها، کیفیت حکمرانی و متغیرهای کلان اقتصادی همچون تورم، تجارت بین الملل و بدهی خارجی نیز به عنوان عوامل تعیین کننده رشد معرفی شده اند. در این بخش، ابتدا نظریه های رشد اقتصادی مرور می شوند، سپس جایگاه متغیرهای کلان اقتصادی و نهادی در فرآیند رشد بررسی خواهد شد.

نظریه های رشد اقتصادی

۱- نظریه مالتوس

توماس مالتوس از نخستین اقتصاددانانی بود که به رابطه میان جمعیت، منابع و تولید اقتصادی پرداخت. بر اساس دیدگاه او، هرگونه افزایش تولید و پیشرفت تکنولوژیک در نهایت با رشد جمعیت خنثی شده و سطح زندگی در همان سطح معیشتی باقی می ماند. این نظریه، اگرچه با واقعیت های رشد بلندمدت اقتصادی پس از انقلاب صنعتی تطابق نداشت، اما مبنایی برای توجه به محدودیت های منابع و اهمیت فناوری در رشد اقتصادی فراهم آورد. (Malthus, 1798)

۲- نظریه های کلاسیک

آدام اسمیت، ریکاردو و سایر اقتصاددانان کلاسیک، رشد اقتصادی را ناشی از تقسیم کار، انباشت سرمایه و بهره وری عوامل تولید دانستند. اسمیت تأکید داشت که آزادی اقتصادی، رقابت و نقش بازار در تخصیص منابع، موتور محرک رشد هستند. ریکاردو نیز بر نقش بازدهی نزولی زمین و محدودیت های منابع کشاورزی در فرایند رشد تأکید کرد. (Smith, 1776; Ricardo, 1817).

۳- مدل رشد نئوکلاسیک (سولو-سوان)

رابرت سولو و ترور سوان در دهه ۱۹۵۰ مدل نئوکلاسیک رشد را ارائه کردند که همچنان یکی از پرکاربردترین چارچوب های تحلیل رشد اقتصادی است. در این مدل، تولید تابعی از سرمایه، نیروی کار و پیشرفت تکنولوژی در نظر گرفته می شود. بر اساس این دیدگاه، در بلندمدت تنها پیشرفت تکنولوژیک قادر است رشد اقتصادی پایدار را تضمین کند و انباشت سرمایه به دلیل بازدهی نزولی نمی تواند به تنهایی موتور رشد باشد. (Solow, 1956)

۴- نظریه رشد درونزا

نارضایتی از فرض برونزا بودن فناوری در مدل سولو، منجر به شکل گیری نظریه رشد درونزا در دهه ۱۹۸۰ شد. لوکاس و رومر با تأکید بر سرمایه انسانی، تحقیق و توسعه و نوآوری، رشد را فرآیندی دانستند که از درون سیستم اقتصادی و به واسطه انباشت دانش و مهارت ها ایجاد می شود. این نظریه نقش سیاست های عمومی در آموزش، بهداشت و حمایت از نوآوری را در تحریک رشد پایدار پررنگ می سازد. (Romer, 1986; Lucas, 1988)

۵- نظریه نهادی رشد

از دهه ۱۹۹۰ به بعد، نهادها به عنوان یکی از مؤلفه‌های اصلی رشد اقتصادی مورد توجه قرار گرفتند. عجم‌اوغلو و رایینسون (۲۰۱۲) در کتاب «چرا کشورها شکست می‌خورند» تأکید کردند که تفاوت عملکرد اقتصادی کشورها بیش از هر چیز ناشی از تفاوت در کیفیت نهادهای اقتصادی و سیاسی است. نهادهای فراگیر که امنیت حقوق مالکیت را تضمین کرده، فساد را کنترل نموده و فرصت‌های برابر ایجاد می‌کنند، بستر مناسبی برای شکوفایی فعالیت‌های اقتصادی و رشد فراهم می‌سازند.

جایگاه متغیرهای کلان اقتصادی در رشد

۱- تجارت بین‌الملل

یکی از متغیرهای کلان اقتصادی تأثیرگذار بر رشد، تجارت خارجی است. نظریه مزیت نسبی ریکاردو نشان می‌دهد که تخصیص‌سازی و مبادله بین‌المللی منجر به افزایش کارایی و رفاه می‌شود. مطالعات تجربی متعدد نشان داده‌اند که کشورهایی که در بازار جهانی فعال‌تر بوده‌اند، رشد اقتصادی بالاتری را تجربه کرده‌اند (Frankel & Romer, 1999).

۲- سرمایه انسانی

سرمایه انسانی شامل آموزش، مهارت‌ها و سلامت نیروی کار است. بر اساس نظریه رشد درون‌زا، سرمایه انسانی نرخ بازگشت فزاینده دارد و می‌تواند اثرات پایدار بر رشد اقتصادی داشته باشد. لوکاس (۱۹۸۸) معتقد است که سرمایه انسانی علاوه بر تأثیر مستقیم بر تولید، از طریق سرریز دانش به سایر بخش‌ها نیز رشد را تسریع می‌کند.

۳- سرمایه فیزیکی

انباشت سرمایه فیزیکی همچون ماشین‌آلات، زیرساخت‌ها و تجهیزات تولیدی، از عوامل اصلی رشد اقتصادی محسوب می‌شود. هرچند اثر آن در بلندمدت به دلیل بازدهی نزولی محدود است، اما در مراحل اولیه توسعه کشورها می‌تواند نقشی اساسی در افزایش ظرفیت تولید ایفا کند (Solow, 1956).

۴- تورم

تورم‌های بالا و بی‌ثباتی قیمت‌ها آثار منفی بر رشد اقتصادی دارند؛ زیرا موجب کاهش قدرت خرید، تضعیف سرمایه‌گذاری و افزایش ریسک فعالیت‌های اقتصادی می‌شوند. از منظر نظری، تورم می‌تواند کارکرد سیگنالی قیمت‌ها را مختل کرده و تخصیص منابع را ناکارا سازد (Fischer, 1993).

۵- بدهی خارجی

بدهی خارجی، در صورت مدیریت ناکارا، می‌تواند اثرات منفی بر رشد اقتصادی داشته باشد؛ چراکه افزایش بار بدهی موجب کاهش منابع در دسترس برای سرمایه‌گذاری‌های مولد می‌شود. در ادبیات اقتصادی، از این پدیده با عنوان «بار بدهی» (Debt Overhang) یاد می‌شود (Krugman, 1988).

جایگاه نهادها در رشد اقتصادی

نهادها به عنوان مجموعه قواعد رسمی و غیررسمی، ساختار انگیزشی اقتصاد را شکل می‌دهند. نهادهای کارآمد موجب کاهش هزینه‌های مبادله، افزایش اعتماد، بهبود محیط سرمایه‌گذاری و ایجاد ثبات سیاسی و اقتصادی می‌شوند. شاخص‌های اصلی کیفیت نهادی که توسط بانک جهانی معرفی شده‌اند عبارتند از:

۱. **حق اعتراض و پاسخگویی:** میزان مشارکت مردم در فرآیندهای سیاسی و آزادی‌های مدنی.
۲. **ثبات سیاسی و نبود خشونت:** میزان احتمال وقوع درگیری‌های داخلی، کودتا یا بی‌ثباتی سیاسی.
۳. **اثر بخشی دولت:** توانایی دولت در ارائه خدمات عمومی و اجرای مؤثر سیاست‌ها.
۴. **کیفیت مقررات:** درجه کارآمدی قوانین و سهولت فعالیت اقتصادی.
۵. **حاکمیت قانون:** اعتماد عمومی به قوانین و تضمین حقوق مالکیت.
۶. **کنترل فساد:** میزان رواج فساد در دستگاه‌های دولتی و خصوصی.

مطالعات نشان داده‌اند که کشورهایی با نهادهای قوی‌تر، نرخ‌های رشد بالاتری را تجربه کرده‌اند؛ زیرا این نهادها انگیزه‌های لازم برای نوآوری و سرمایه‌گذاری را فراهم می‌کنند. (North, 1990; Acemoglu et al., 2005)

تعامل متغیرهای اقتصادی و نهادی در رشد

بررسی‌های اخیر نشان داده است که متغیرهای کلان اقتصادی و نهادی نه به صورت مجزا بلکه در تعامل با یکدیگر بر رشد اثر می‌گذارند. برای مثال، سرمایه‌انسانی تنها در شرایطی می‌تواند به رشد پایدار منجر شود که نهادها زمینه جذب و بهره‌گیری بهینه از آن را فراهم کنند. همچنین، تجارت بین‌الملل زمانی اثر مثبت بر اقتصاد دارد که چارچوب نهادی کشور توانایی مدیریت آن را داشته باشد. بنابراین، نهادها و متغیرهای اقتصادی در یک رابطه هم‌افزایانه عمل می‌کنند و ضعف در هر یک می‌تواند اثر دیگری را تضعیف کند.

مرور نظریه‌ها و مطالعات نشان می‌دهد که رشد اقتصادی پدیده‌ای چندبعدی است و نمی‌توان آن را صرفاً به عوامل اقتصادی یا نهادی محدود کرد. مدل‌های کلاسیک و نئوکلاسیک بر نقش سرمایه و فناوری تأکید داشتند، درحالی‌که نظریه‌های جدیدتر همچون رشد درون‌زا و نهادگرایی نقش سرمایه‌انسانی و کیفیت نهادها را پررنگ کرده‌اند. در کشورهای در حال توسعه، ترکیب عواملی همچون سرمایه‌گذاری در آموزش و بهداشت، بهبود کیفیت حکمرانی، کنترل فساد و سیاست‌های اقتصادی کارآمد می‌تواند مسیر رشد پایدار را هموار سازد. از این رو، پژوهش حاضر با بررسی اثرات همزمان متغیرهای کلان اقتصادی و نهادی بر رشد اقتصادی در ۱۵ کشور منتخب در حال توسعه، تلاش دارد به شکاف موجود در ادبیات پاسخ دهد و شواهد تجربی جدیدی در این زمینه ارائه نماید.

مرور ادبیات پژوهش

مرور ادبیات پژوهش یکی از ارکان اساسی در تحقیقات علمی است که جایگاه موضوع را در فضای علمی روشن کرده و زمینه را برای شناسایی شکاف‌های تحقیقاتی فراهم می‌سازد. بررسی پیشینه تحقیق در حوزه رابطه متغیرهای کلان اقتصادی و نهادی با رشد اقتصادی نشان می‌دهد که از دهه‌های پایانی قرن بیستم تاکنون، توجه پژوهشگران از صرف متغیرهای اقتصادی به نقش نهادها و تعامل آن‌ها با شاخص‌های کلان معطوف شده است. در این بخش ابتدا مطالعات انجام‌شده در داخل کشور مرور می‌شوند، سپس به پژوهش‌های بین‌المللی پرداخته خواهد شد و در نهایت جمع‌بندی و تحلیل شکاف‌های موجود ارائه می‌شود.

۱- مطالعات داخلی

بدهی خارجی و رشد اقتصادی

فلاحی و همکاران (۱۴۰۰) در پژوهشی با استفاده از روش غیرخطی مارکوف-سوئیچینگ، اثر بدهی‌های خارجی را بر رشد اقتصادی ایران در دوره ۱۹۸۰ تا ۲۰۰۶ بررسی کردند. نتایج نشان داد که بدهی خارجی، به‌ویژه در بخش عمومی،

اثر منفی معناداری بر رشد داشته است. در مقابل، بدهی بخش خصوصی در برخی مقاطع اثر مثبت داشته که نشان‌دهنده تفاوت ساختاری میان این دو نوع بدهی است.

متغیرهای نهادی و رشد

مبارک و همکاران (۱۳۹۹) به بررسی اثر متغیرهای نهادی بر رشد اقتصادی کشورهای در حال توسعه در بازه ۱۹۹۸ تا ۲۰۱۵ پرداختند. نتایج با استفاده از مدل رگرسیونی انتقال ملایم نشان دادند که شاخص حاکمیت قانون و آزادی اقتصادی بیشترین اثر مثبت را بر رشد اقتصادی داشته‌اند.

بدهی‌های خارجی در کشورهای منتخب

زمانیان و همکاران (۱۳۹۹) اثر بدهی‌های خارجی را در ۲۰ کشور منتخب طی دوره ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۳ با روش گشتاورهای تعمیم‌یافته بررسی کردند. یافته‌ها نشان داد بدهی‌های بلندمدت اثر منفی و بدهی‌های کوتاه‌مدت اثر مثبت بر رشد داشته‌اند.

تجارت و بخش کشاورزی

عزیزی و همکاران (۱۳۹۸) اثر آزادسازی تجاری را بر رشد زیربخش‌های کشاورزی ایران بررسی کردند. نتایج حاکی از آن بود که نسبت واردات به تولید ناخالص داخلی اثر مثبت بیشتری نسبت به صادرات بر رشد داشته است.

سرمایه انسانی در بخش سلامت و آموزش

سپهردوست و همکاران (۱۳۹۷) تأثیر سرمایه انسانی در بخش سلامت و آموزش را بر رشد اقتصادی ۲۳ کشور منتخب طی سال‌های ۱۹۹۳ تا ۲۰۱۳ بررسی کردند. نتایج نشان داد که اثر مخارج بهداشتی و آموزشی در کشورهای با درآمد بالا و متوسط مثبت و معنادار بوده اما در کشورهای با درآمد پایین منفی بوده است.

سرمایه انسانی در کشورهای اوپک

آل عمران و آل عمران (۱۳۹۷) در پژوهشی به بررسی اثر سرمایه انسانی بر رشد اقتصادی کشورهای عضو اوپک در دوره ۱۹۹۸ تا ۲۰۰۷ پرداختند. یافته‌ها نشان داد که سرمایه انسانی اثر مثبت معناداری بر رشد این کشورها داشته است.

تورم و رشد اقتصادی

التجائی (۱۳۹۶) اثر تورم و نااطمینانی تورمی را بر رشد اقتصادی ایران بررسی کرد. نتایج نشان داد که تورم و نااطمینانی تورمی اثر منفی بر سرمایه‌گذاری خصوصی و در نتیجه رشد اقتصادی دارند.

۲- مطالعات خارجی

سرمایه انسانی و رشد در آفریقا

تاپووا و همکاران (۲۰۲۳) با بررسی ۲۲ کشور جنوب صحرای آفریقا نشان دادند که سرمایه انسانی اثر مثبت و هرچند ضعیفی بر رشد اقتصادی دارد.

نهادها و رشد اقتصادی

وسریت و احمد (۲۰۲۲) رابطه نهادها و رشد را با توجه به سطح درآمد بررسی کردند. یافته‌ها نشان داد که در کشورهای با درآمد بالا، نهادها اثر مثبت بر رشد دارند، در حالی که در کشورهای با درآمد متوسط و پایین، این رابطه منفی بوده است.

کیفیت نهادی در کشورهای بالتیک

رادزویکا و بولدربرجا (۲۰۲۰) اثر کیفیت نهادی بر رشد اقتصادی ۱۱۳ کشور را طی ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۶ بررسی کردند. نتایج بیانگر رابطه مثبت و معنادار میان کیفیت نهادی و رشد بود.

بدهی عمومی در مالزی

نگ لی و اینگ نگ (۲۰۱۹) اثر بدهی‌های عمومی را بر رشد اقتصادی مالزی در دوره ۱۹۹۱ تا ۲۰۱۳ بررسی کردند. نتایج نشان دادند که بدهی عمومی اثر منفی بر رشد اقتصادی داشته است.

بدهی خارجی در ترکیه

کورکماز (۲۰۱۹) رابطه بدهی خارجی و رشد اقتصادی ترکیه را در دوره ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۴ با روش علیت گرنجر بررسی کرد. یافته‌ها نشان‌دهنده رابطه منفی میان بدهی خارجی و رشد بودند.

سیاست تجاری و رشد

آسفا (۲۰۱۸) در پژوهشی بر روی کشورهای جنوب آفریقا نشان داد که آزادسازی تجاری اثر مثبت و معناداری بر رشد اقتصادی دارد.

سرمایه انسانی در نیجریه

ویکتوریا (۲۰۱۸) اثر سرمایه انسانی را در نیجریه طی سال‌های ۱۹۸۲ تا ۲۰۱۱ بررسی کرد. برخلاف انتظارات، نتایج نشان دادند که سرمایه انسانی اثر معناداری بر رشد اقتصادی نداشته است.

تجارت و رشد در اروپای شرقی

فیترو و زیدک (۲۰۱۷) رابطه تجارت و رشد را در جمهوری چک و اسلواکی طی سال‌های ۱۹۹۸ تا ۲۰۱۴ بررسی کردند. نتایج حاکی از وجود رابطه بلندمدت میان صادرات و رشد اقتصادی این کشورها بود.

۳- تحلیل مرور ادبیات پژوهشی

مرور مطالعات نشان می‌دهد که:

۱. **بدهی خارجی:** در اغلب تحقیقات، اثر منفی بدهی خارجی بر رشد اقتصادی تأیید شده است، هرچند بدهی‌های کوتاه‌مدت در برخی کشورها اثر مثبت داشته‌اند.
۲. **سرمایه انسانی:** نتایج متفاوت بوده است؛ در بسیاری از کشورها اثر مثبت و قوی بر رشد داشته اما در کشورهای با درآمد پایین، گاهی اثر منفی گزارش شده است.
۳. **تجارت بین‌الملل:** تقریباً در همه مطالعات اثر مثبت و معنادار تجارت بر رشد اقتصادی تأیید شده است.
۴. **تورم:** به‌طور گسترده، اثر منفی و بازدارنده تورم بر رشد اقتصادی مشاهده شده است.
۵. **نهادهای:** اغلب مطالعات، به‌ویژه در سطح جهانی، بر اهمیت بالای کیفیت نهادی در رشد اقتصادی تأکید دارند. درعین حال، تفاوت‌های منطقه‌ای و سطح درآمد کشورها بر شدت و جهت این اثر مؤثر بوده است. با وجود حجم بالای پژوهش‌ها، شکاف‌های مهمی همچنان باقی است. نخست آن که بسیاری از مطالعات تنها یکی از دو دسته متغیرهای اقتصادی یا نهادی را بررسی کرده‌اند و کمتر پژوهشی به اثر همزمان آن‌ها پرداخته است. دوم، بخش عمده‌ای از مطالعات محدود به کشورهای توسعه‌یافته یا گروه‌های خاصی از کشورها بوده‌اند و تحلیل جامعی در مورد کشورهای در حال توسعه کمتر دیده می‌شود. از این رو، پژوهش حاضر با تمرکز بر ۱۵ کشور منتخب در حال توسعه طی

دوره ۲۰۱۳ تا ۲۰۲۳ تلاش دارد همزمان اثر متغیرهای کلان اقتصادی و نهادی را بر رشد اقتصادی بررسی کند و به این شکاف علمی پاسخ دهد.

روش‌شناسی پژوهش

۱- نوع و رویکرد تحقیق

پژوهش حاضر از نظر هدف، **کاربردی** است؛ زیرا نتایج آن می‌تواند مستقیماً در سیاست‌گذاری اقتصادی و نهادی کشورهای در حال توسعه مورد استفاده قرار گیرد. از نظر روش اجرا، تحقیق **توصیفی-تحلیلی** و از نظر ماهیت داده‌ها، **کمی و تجربی** است. در این تحقیق تلاش می‌شود با بهره‌گیری از داده‌های آماری و روش‌های اقتصادسنجی، اثر متغیرهای کلان اقتصادی و نهادی بر رشد اقتصادی کشورهای منتخب بررسی شود.

۲- جامعه آماری و قلمرو تحقیق

- **قلمرو مکانی:** جامعه آماری شامل ۱۵ کشور منتخب در حال توسعه است که عبارتند از: ایران، برزیل، مصر، اندونزی، اردن، موریتس، مغولستان، فیلیپین، تایلند، کلمبیا، هند، قزاقستان، مکزیک، پرو و آفریقای جنوبی. انتخاب این کشورها بر اساس معیارهایی همچون در دسترس بودن داده‌ها، همگنی نسبی در سطح توسعه و اهمیت آن‌ها در اقتصاد جهانی انجام شده است.

- **قلمرو زمانی:** دوره زمانی پژوهش ۲۰۲۳ تا ۲۰۱۳ است. این بازه به دلیل دسترسی به داده‌های معتبر و امکان بررسی اثرات بلندمدت انتخاب شده است.

- **قلمرو موضوعی:** بررسی اثر همزمان متغیرهای کلان اقتصادی و نهادی بر رشد اقتصادی کشورهای منتخب.

۳- داده‌ها و منابع گردآوری آن‌ها

داده‌های پژوهش به صورت **داده‌های ثانویه** و از پایگاه‌های معتبر بین‌المللی گردآوری شده‌اند. مهم‌ترین منابع عبارتند از:

- پایگاه داده‌های **بانک جهانی (World Bank)** برای متغیرهای کلان اقتصادی همچون تولید ناخالص داخلی، تجارت، تورم، سرمایه‌گذاری و بدهی‌های خارجی.

- شاخص‌های **حکمرانی جهانی بانک جهانی (Worldwide Governance Indicators - WGI)** برای متغیرهای نهادی شامل: حق اعتراض و پاسخگویی، ثبات سیاسی، اثربخشی دولت، کیفیت مقررات، حاکمیت قانون و کنترل فساد.

داده‌ها به صورت سالانه جمع‌آوری و برای تحلیل، ابتدا به شکل پانلی (ترکیبی از سری‌های زمانی و مقطعی) سازمان‌دهی شده‌اند.

۴- متغیرهای تحقیق

- **متغیر وابسته:**

- **رشد اقتصادی** (تولید ناخالص داخلی واقعی به قیمت‌های ثابت یا نرخ رشد GDP).

- **متغیرهای مستقل اقتصادی:**

۱. **تجارت بین‌الملل** (نسبت مجموع صادرات و واردات به تولید ناخالص داخلی)

۲. سرمایه انسانی (شاخص ترکیبی آموزش و بهداشت یا متوسط سال‌های تحصیل)
۳. سرمایه فیزیکی (تشکیل سرمایه ثابت ناخالص)
۴. تورم (نرخ تغییر شاخص قیمت مصرف‌کننده)
۵. بدهی خارجی (نسبت بدهی خارجی به GDP)

• متغیرهای نهادی:

۰. حق اعتراض و پاسخگویی
۱. ثبات سیاسی و نبود خشونت
۲. اثربخشی دولت
۳. کیفیت مقررات
۴. حاکمیت قانون
۵. کنترل فساد

۵- روش و مدل تحلیل

۵-۱- ماهیت داده‌ها

داده‌ها از نوع داده‌های تابلویی (Panel Data) هستند که ترکیبی از داده‌های مقطعی (کشورها) و سری زمانی (دوره ۲۰۱۳ تا ۲۰۲۳) را شامل می‌شوند. این ویژگی امکان تحلیل پویاتر و دقیق‌تر روابط اقتصادی و نهادی را فراهم می‌آورد.

۵-۲- آزمون‌های مقدماتی

قبل از برآورد مدل، مجموعه‌ای از آزمون‌های آماری انجام می‌شود:

۱. آزمون ایستایی (Unit Root Test): بررسی ایستایی متغیرها با استفاده از آزمون‌های لوین-لوین (LLC) و ایم-پساران-شین (IPS).
۲. آزمون هم‌انباشتگی (Cointegration Test): بررسی وجود رابطه بلندمدت میان متغیرها با استفاده از آزمون‌های پدرونی و کائو.
۳. آزمون انتخاب مدل (F-Limer) و (Hausman): تعیین مناسب‌ترین روش برآورد (اثرات ثابت یا تصادفی).

۵-۴- روش برآورد

برای برآورد روابط میان متغیرها از مدل حداقل مربعات معمولی پویا (Dynamic Ordinary Least Squares – DOLS) استفاده می‌شود. این روش به دلیل قابلیت رفع خودهمبستگی و ناهمسانی واریانس، و همچنین امکان لحاظ کردن پویایی‌ها در داده‌های پانلی، یکی از مناسب‌ترین روش‌ها برای تحلیل بلندمدت است.

۶- اعتبارسنجی نتایج

به منظور افزایش اعتبار نتایج، اقدامات زیر انجام می‌شود:

- استفاده از آزمون مانایی و هم‌انباشتگی برای جلوگیری از رگرسیون کاذب.
- به کارگیری روش‌های قوی اقتصادسنجی همچون DOLS برای کنترل مشکلات خودهمبستگی.

- مقایسه نتایج با یافته‌های مطالعات پیشین داخلی و خارجی برای بررسی سازگاری.

۷- محدودیت‌های پژوهش

۱. محدودیت در دسترسی به داده‌های برخی متغیرها در دوره زمانی طولانی‌تر.
۲. تفاوت‌های نهادی و ساختاری میان کشورهای منتخب که می‌تواند بر نتایج اثر بگذارد.
۳. استفاده از شاخص‌های ترکیبی نهادی که گاهی بخشی از واقعیت‌های کیفی کشورها را پوشش نمی‌دهد.

۸- جمع‌بندی

روش‌شناسی این پژوهش بر پایه تحلیل داده‌های تابلویی ۱۵ کشور منتخب در حال توسعه طی بازه ۲۰۱۳ تا ۲۰۲۳ است. با بهره‌گیری از مدل اقتصادسنجی DOLS و شاخص‌های معتبر اقتصادی و نهادی، تلاش شده است تصویری جامع از اثر همزمان متغیرهای کلان اقتصادی و نهادی بر رشد اقتصادی ارائه گردد. انتظار می‌رود این رویکرد بتواند شواهد تجربی جدیدی برای ادبیات رشد اقتصادی فراهم آورده و راهنمایی برای سیاست‌گذاران کشورهای در حال توسعه باشد.

یافته‌های پژوهش

نتایج برآورد مدل نشان داد:

۱. **تجارت بین‌الملل** تأثیر مثبت و معناداری بر رشد اقتصادی کشورهای منتخب داشته است.
۲. **سرمایه انسانی** اثر مثبت و قوی بر رشد اقتصادی داشته و نشان می‌دهد سرمایه‌گذاری در آموزش و بهداشت محرک اصلی رشد پایدار است.
۳. **سرمایه فیزیکی** رابطه مثبت با رشد دارد اما در برخی کشورها به دلیل محدودیت منابع، اثر آن کمتر از سرمایه انسانی بوده است.
۴. **تورم** اثر منفی و معنادار بر رشد اقتصادی داشته است.
۵. **بدهی خارجی** اثر منفی بر رشد اقتصادی داشته و نشان‌دهنده بار مالی بلندمدت بدهی‌هاست.
۶. **شاخص‌های نهادی** در مجموع اثر مثبت و معناداری بر رشد داشته‌اند؛ به‌ویژه «حاکمیت قانون» و «کنترل فساد» بیشترین تأثیر را بر رشد اقتصادی کشورهای منتخب داشته‌اند.

بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که رشد اقتصادی در کشورهای در حال توسعه صرفاً با اتکا به متغیرهای اقتصادی محقق نمی‌شود؛ بلکه کیفیت نهادها نقشی تعیین‌کننده در جهت‌دهی به این متغیرها دارد. به عبارت دیگر، سرمایه انسانی یا سرمایه‌گذاری فیزیکی زمانی می‌تواند به رشد منجر شود که در بستری از حکمرانی خوب، شفافیت نهادی و ثبات سیاسی قرار گیرد. نتایج همچنین بر ضرورت اصلاح ساختارهای نهادی در کنار اجرای سیاست‌های اقتصادی تأکید دارد.

پیشنهادات پژوهش

۱. دولت‌ها باید اصلاحات نهادی از جمله مبارزه با فساد، تقویت حاکمیت قانون و بهبود اثربخشی دولت را در اولویت قرار دهند.
۲. سرمایه‌گذاری در سرمایه انسانی به‌ویژه آموزش و بهداشت می‌تواند در بلندمدت محرک رشد پایدار باشد.
۳. کنترل تورم و مدیریت بدهی خارجی باید به‌عنوان سیاست‌های مکمل توسعه اقتصادی مدنظر قرار گیرند.

۴. در مطالعات آتی پیشنهاد می‌شود اثر تعامل میان متغیرهای نهادی و اقتصادی بر رشد با مدل‌های پیچیده‌تر بررسی شود.

منابع و مآخذ

- آل عمران، رویا و آل عمران، سیدعلی (۱۳۹۷) سنجش اثرگذاری ارتقای سرمایه انسانی بر رشد اقتصادی در کشورهای منتخب عضو اوپک، فصلنامه تخصصی پارکها و مراکز رشد. بر رشد اقتصادی، فصلنامه تحقیقات توسعه اقتصادی.
- التجائی، ابراهیم (۱۳۹۶) تورم، نااطمینانی تورمی، پراکندگی نسبی قیمتها و رشد اقتصادی ایران، مطالعات اقتصادی کاربردی در ایران.
- خوشبینی، فرناز (۱۳۹۴). بررسی تاثیر مدیریت تکنولوژی بر جریان رشد اقتصادی در کشورهای منتخب در حال توسعه، پایان نامه کارشناسی ارشد گروه اقتصاد، تبریز: دانشگاه آزاد اسلامی واحد.
- زمانیان، غلامرضا، هراتی، جواد و تقیزاده، حجت (۱۳۹۹) بررسی تاثیر بدهیهای خارجی بر رشد اقتصادی - کشورهای در حال توسعه، مجله اقتصاد و توسعه منطقه‌ای.
- سپهردوست، حمید، قربان سرشت، مرتضی و باروتی، مهسا (۱۳۹۷) اثر نامتوازن سرمایه انسانی در بخش سلامت و آموزش
- شریف آزاده، محمدرضا و حسینی بحرینی، محمد (۱۳۹۲) تاثیرپذیری سرمایه گذاری خصوصی در ایران از مجله شاخصهای امنیت اقتصادی شماره ۵۳
- شکیبایی، علیرضا و احمدلو، مجید (۱۳۹۰). بررسی رابطه بین مصرف حاملهای انرژی و رشد زیربخشهای اقتصادی، فصلنامه مطالعات اقتصاد انرژی.
- عجم اوغلو، دارون و رایینسون، جیمز (۱۳۹۳). چرا کشورها شکست می‌خورند؟ ترجمه: محسن پویا جبل عاملی و محمدرضا فرهادپور، تهران: انتشارات دنیای اقتصاد، تهران.
- عزیزی، آسیه، مهرابی بشرآبادی، حسین و زارع مهرجردی، محمدرضا (۱۳۹۸) مطالعات اقتصادی کاربردی ایران، بررسی
- عیسی زاده، سعید و احمدزاده، اکبر (۱۳۸۸) بررسی اثر عوامل نهادی بر رشد اقتصادی با تأکید بر نهادهای حاکمیتی مطالعه موردی بین کشوری برای دوره ۱۵. پژوهشهای اقتصادی ایران
- فلاحی، فیروز، اصغرپور، حسین و احمدیان بهروز، کسری (۱۴۰۰). بررسی تاثیر بدهی خارجی بر رشد اقتصادی ایران (رهیافت مارکوف-سوئیچینگ)، فصلنامه اقتصاد مالی.
- قاسمی، محمد (۱۳۹۳) بررسی تاثیر فاکتورهای نهادی بر رشد اقتصادی در منتخبی از کشورهای در حال توسعه، پایان نامه کارشناسی ارشد گروه اقتصاد، تبریز: دانشگاه آزاد اسلامی واحد.
- مبارک، اصغر، هژبرکیانی، کامبیز، معمارنژاد، عباس و پیکارجو، کامبیز (۱۳۹۹). مطالعه تاثیر کیفیت نهادی و سرمایه انسانی بر رشد اقتصادی، فصلنامه برنامه ریزی و بودجه.

Abdullahi, D (2018). Effects of financial liberalization on financial market development and economic performance of the SSA region: An empirical assessment, Economic Modelling

- Asfaw, H. A (2022). Trade Policy and Economic Growth in Sub-Saharan Africa: A Panel Data Approach, American Journal of Trade and Policy.
- Fitzová, H & Židek, L (2017). Impact of Trade on Economic Growth in the Czech and Slovak Republics, Economics and Sociology
- Hayek, F. (2013). Legislation and freedom (volume 3: political order of free peoples). Translated by Moussa Ghaninejad and Mahshid Moiri, World Economic Publishing House
- Jelilov G (2016). The Impact of Interest Rate on Economic Growth Example of Nigeria. African Journal of Social Sciences 6(2):51-64. Joseph BU, Ogwa AO, Dooter MI (2018). Effects of Interest Rate Journal of Political Economy, Vol. 6.
- Kaufmann, D, Kraay, A & Mastruzzi, M (2010). The Worldwide Governance Indicators: A Summary of Methodology, Data and Analytical Issues, World Bank Policy Research Working Paper.
- Korkmaz, S (2019). The Relationship Between External Debt and Economic Growth in Turkey, Proceedings of the Second European Academic Research Conference on Global Business, Economics, Finance and Banking.
- Marija Radzeviča, A & Bulderberga, K (2020). The Role of Institutional Quality in Economic Growth: Implications for the Baltic States, Bachelor Thesis
- Mehlam, H., Moene, K., & Torvik, R. (2005). Cursed by resources or institutions? The World Economy, 116, 1-20.
- Moyo, C., & Le Roux, P. (2018). Interest rate reforms and economic growth: the savings and investment channel
- Ogun, O (2015). Real Exchange Rate Behaviour and Non-oil export Growth in Nigeria. African Journal of Economic Policy, 11(1), June.
- Ohando, M. A. (2018). The Effect of Commercial Bank Lending Interest Rate on Economic Growth in Kenya (Doctoral dissertation, University of Nairobi).
- Political Economy, Vol. 17, No.9. Saadat, R., & Naderi, P. (2020). The Determinants of Real Exchange Rate Volatility with Emphasis on Remittances: Selected Developing Countries. International Economics Studies, 50(2).
- Similola Victoria, J (2018). Human Capital Investment and Economic Growth in Nigeria, An International Multidisciplinary Journal.
- Tapuwa, K, Ronney, N & Andrew, Ph (2019). The human capital-economic growth nexus in SSA countries: What can strengthen the relationship? MPRA Paper.
- Tapuwa, K, Ronney, N & Andrew, Ph (2023). The human capital-economic growth nexus in SSA countries: What can strengthen the relationship? MPRA Paper.
- Trablesi, M. (2002), "Finance and Growth: Empirical Evidence from Developing Countries, (1960-1990)", University of Montral.
- Valli koba, Hall, S.; Hondroyiannis, G.; P.A.V.B., Swamy, & Michael Ulan (2015). Exchange -Rate Volatility and Export Performance: Do Emerging Market Economies Resemble Industrial Countries or Other Developing Countries? Economic Modeling 27: 1514 -21.
- Van den berg (2016). Currency Depreciation and Domestic Output growth in Nigeria: 1971- 1995, The Nigerian Journal of Economics and Social studies, 41(1), 31-44
- Veblen, Thorstein (1909), the Limitation of Marginal Utility, the Journal of
- Yandle, Bruce (1990), The Decline and Rise of Political Economy, European